



جشنواره

کارنامه ۴۰ ساله جشنواره فجر



۴۰ ساله جشنواره فجر

پنجشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۱ شماره ۸۷۱۱

۱۵

پلان

ظهور فیلمسازان زن

جشنواره‌های دهه ۱۳۹۰ بهار سینماگران زن بود. با کبرنگ شدن حضور ۳۲ کارگردان مطرح دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ (ارخشان بنی‌اعتماد، پوران درخشنده و تهمنه میلانی) در فیلم فجر، ترگس آبیاری، آیدا پناهنده و منیر قیدی از راه رسیدند و نمایندگان تازه سینماگران زن شدند. ترگس آبیاری با «شیار ۱۴۳» مطرح شد و با «نفس» نشان داد به پیرودن راه‌های تازه علاقه‌مند است و با «شبی که ماه کامل شد» کوشید تا از سوزهای امنیتی به نگاهی انسانی برسد. آیدا پناهنده با فیلم امیدبخش «ناهید» نشان داد که استعدادی تازه از راه رسیده و با «اسرافیل» و «تی‌تی» از تثبیت و تداوم طی کردن مسیری دشوار خبر داد و البته از آنچه حساسیت‌های زنانه خوانده می‌شود و الزاماً در آثار همه فیلمسازان زن این سرزمین مشهود نیست. گرچه ورود سینماگران زن به عرصه سینمای دفاع مقدس در ادوار گذشته هم سابقه داشت، ولی کاری که منیر قیدی در «ویلاهای» انجام داد، مسبقاً به سابقه نبود و نشان از تنوع رویکردها در میان سینماگران زن داشت. «دسته دختران» در تداوم «ویلاهای» به‌عنوان پروژه بلندپروازانه یک کارگردان زن، همچنان در مسیر ثبت و نمایش جلوه و حضور زنان در جنگ قرار می‌گیرد. در انتهای دهه ۱۳۹۰ و در جشنواره سی‌وهشتم، نیکی کریمی غافلگیرکننده‌ترین حضور کارگردان‌های زن را در جشنواره‌های این دهه به ثبت رساند.

کلمه‌ها و ترکیب‌های تازه

پایان دهه ۱۳۹۰ و آغاز ۱۴۰۰ و روی کار آمدن دولت سیزدهم، به تغییرات گسترده مدیریت ارشد انجامید. در نخستین جشنواره‌ای که محمد خزاعی به‌عنوان رئیس سازمان سینمایی برگزار کرد، بیشتر فیلم‌ها محصول دولت قبل بودند. خزاعی که خود تجربه دبیری جشنواره فجر را داشت، در برپایی نخستین جشنواره دولت جدید کوشید تا در چرخه‌های محدودشده به‌واسطه همه‌گیری کرونا را یکشاید و در شرایطی که هنوز خطر برطرف نشده بود، ولی با آمدن واکسن، مدیریت شده بود، جشنواره به لحاظ تعداد فیلم و نحوه برگزاری به شکل معمول و متداولش بازگشت.

خزاعی و همکارانش فرصتی برای به ثمر نشاندن ایده‌هایشان در قالب فیلم‌های پذیرفته‌شده در جشنواره ۱۴۰۰ را نداشتند و نقش برگزاری در شرایطی که اگران عمومی هم عملاً آسال به کما رفته بود، بیش از هر چیز دیگر اهمیت داشت. جشنواره برای بازگشت به شرایط عادی هنوز با مشکلاتی مواجه بود. محدودیت‌های کرونا و نیز همچنان برقرار بود. نشانه‌های تغییر سیاست‌ها هم گرچه مشاهده می‌شد، اما هنوز خیلی فرصت و امکان نمود نداشت. آنچه همچنان برقرار مانده بود سنت ایجاد شده در جشنواره‌های دهه ۱۳۹۰ بود؛ اینکه فیلم اولی‌ها را باید جدی گرفت و مقدم فیلمسازان تازه‌نفس را گرامی داشت.

اعتزازی خانمی کیا اختتامیه سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر اینهم ۱۳۹۴



فریادها و نجواها

جشنواره فیلم فجر در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ چه مسیری را طی کرد

گزارش مهرنوش سلیمانی روزنامه نگار

از سال‌های نوستالژیک و قدیمی پایتخت تا برج مدرن و تازه تأسیس میلاد و از رساندن پر در دسر حلقه‌های نگاتیو به دفتر جشنواره تا ورود به عصر دیجیتال و تحویل نسخه dcp به دفتر جشنواره، فیلم فجر در طول یک دهه به اندازه یک قرن متحول شد. عصر تازه‌ای از راه رسید و زمانه‌ای دیگر شد. فیلم فجر از انتهای دولت احمدی نژاد تا دوره اعتدال، راه پر فراز و نشیبی را پیمود و در این مسیر بارها چرخ از نو اختراع شد و در انتها کر و نا هم از راه رسید، ولی فیلم فجر همچنان ماند و آیین فیلم دیدن در بهمن، همچنان حفظ شد.

تکثیر تأسف بر انگیز فرهادی

وقتی در آخرین جشنواره دهه ۱۳۸۰، فیلم «جدایی نادر از سیمین» حضور موفق‌تری را به ثبت رساند و همزمان با سیمیرغ‌های فجر خرس‌های برلین را هم شکار کرد و بعد از یک سال دور جهان گشتن و جایزه بردن، اسکار را هم فتح کرد، طبیعی بود که مسیر سینمای جشنواره‌ای ایران همان راهی را طی کند که فرهادی پیموده بود؛ گیم نه با «جدایی» و «در باره‌الی». به این ترتیب جشنواره فیلم فجر هم دهه ۱۳۹۰ را متأثر از تنها فیلمساز اسکارای‌اش آغاز کرد؛ همانطور که در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۸۸ شب «در باره‌الی» روی فیلم‌های زیادی سایه افکن شده بود. نمایش بحران طبقه متوسط شد موفقیت تعداد قابل توجهی از فیلم‌ها که جشنواره فیلم فجر نخستین محل نمود و پرورش‌شان بود. تقلید و تأثیرپذیری از شیوه روایت و تمرکز بر دروغ و خیانت در میان چند آغاز شد و تا جزیاتی چون کودک‌کشی امتداد می‌یافت که اگر در «جدایی»، سلف‌جین‌زین طبقه فرودست، خانواده در آستانه فروپاشی طبقه متوسط را دچار چالش می‌کرد، کودک‌کشی به‌عنوان نقطه محوری شکل داده در ام، از فیلمی به فیلمی دیگر راه می‌یافت؛ از «گس» (کیارش اسدی‌زاده) تا «ملبورن» (نیما جاویدی) و «تایستنان داغ» (ابراهیم ایراج‌راد) «قاعده متادف» (بهنام بهزادی) فیلم برگزیده بخش بین‌الملل و برنده بهترین کارگردانی همین بخش و بهترین فیلمنامه مسابقه سینمای ایران جشنواره سی‌ویکم، چه با گرد آوردن چند جوان تئاتری در محیطی بسته و چه در شیوه دکوپاژ و استفاده از دوربین روی دست، تحت تأثیر «در باره‌الی» به‌منظر می‌سید. «سعادت‌آباد» (مازیار میری) از فیلم‌های مورد توجه همین جشنواره هم با ترسیم شبکه‌ای از دروغ و خیانت در میان چند زوج جوان طبقه متوسط، همین راه را در پیش گرفته بود. دست‌کم تا میانه‌های این دهه، سندروم فرهادی در بخشی از فیلم‌های جشنواره‌های ادوار مختلف قابل مشاهده بود. فیلم‌های فرهادی در کانون توجه سینماگران ایرانی قرار داشت و خیلی‌ها از او تقلید می‌کردند و در این تکثیر تأسف بر انگیز چه فیلم‌های الکن و ناتوانی که ساخته نشد.

ترکیب تجربه و جوانی

جشنواره فیلم فجر در دهه ۱۳۹۰ با ترکیب تجربه و جوانی سالیان را پشت سر گذاشت؛ البته کمتر پیش آمد که فیلمسازان باتجربه در این دهه با بهترین فیلم‌هایشان به فجر بیایند و جوان‌هایشان هم در مواردی بهترین فیلم‌هایشان همان یکی- دو کار اولشان بود. در دهه ۱۳۹۰ حاتمی‌کیا که با بهترین فیلم این سال‌هایش «چ» به فستیوال آمد. در «یادگارد» کوشید موفقیت درام‌های دهه هفتادش را باز تولید کند و با «به وقت شام» و به‌خصوص «خروج» موفقیت به معنای آنچه در گذشته تجربه کرده بود را دور از دسترس تر از همیشه دید. در حالی که مجید مجیدی با آخرین فیلمش «خورشید» به جنس واقع‌گرایانه مطلوبش بازگشت. از همین نسل، ابوالحسن داوودی در جشنواره سال ۱۳۹۳ برای بازگشت به سطح اول فیلمسازی سراغ حال‌وهوای جوانانه و نحوه روایتی رفت که تا چند سال پیش تازگی داشت؛ همچنان که علیرضا داوودنژاد با «کلاس هنر پیشگی» مسیر سینمای خاص و منحصر به فرد خانوادگی‌اش را ادامه داد. در دهه ۱۳۹۰ فیلم‌های برخی کارگردان‌های شاخص سینمای ایران افت کیفی غربی داشتند و سندی شدند بر تحلیل رفتن قوای خلاقه و نشانی بر سقوط آزادی که برای دوستداران سینما غم‌انگیز بود. تقریباً از میانه‌های دهه ۱۳۹۰ این جوانان بودند که چراغ جشنواره را روشن نگه داشتند و اجازه ندادند افول کارگردان‌های باتجربه عیار فیلم فجر را پایین بیاورد. تقریباً در هر دوره‌ای که آثار کارگردان‌های شاخص قدیمی انتظارات را برآورده نکرد، سینماگران تازه‌نفس با حضوری پدیدوار جشنواره را نجات دادند؛ جشنواره‌های که در دهه ۱۳۹۰ تعدادی از مهم‌ترین سینماگران ادوار گذشته را دیگر نداشت (مانند اصغر فرهادی) یا به حضور ادواری‌شان دل خوش بود (مثل مسعود کیمیایی).

تولد جشنواره جهانی

سال‌ها بود بخش بین‌الملل جشنواره اهمیتش را از دست داده بود و در سال‌هایی (بیشتر در جشنواره‌های برگزار شده در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰) عملاً به‌جایی برای تسلی‌بخشی به فیلمسازانی که فیلم‌هایشان در بخش مسابقه سینمای ایران تحویل گرفته نمی‌شدند، تبدیل شده بود. فیلم‌های خارجی به نمایش درآمده در بخش بین‌الملل معمولاً آثار مهمی نبودند و در دوره‌هایی بیشتر جوایز را سینماگران ایرانی دریافت می‌کردند؛ مثال مشهورش جشنواره سی‌ام بود که از ۱۸ جایزه بخش بین‌الملل ۱۰ جایزه به ایرانی‌ها رسید. جشنواره فیلم فجر از سال ۱۳۹۳ با عنوان «بین‌المللی خادحفاظتی کرد» تصمیمی که از دلش جشنواره جهانی فجر متولد شد و از میانه‌های دهه ۱۳۹۰ از دیهشت‌ماه موعود برپایی جشنواره‌های جهانی بود که دست‌اوردهایش به‌مراتب قابل توجه‌تر از بخش بین‌الملل جشنواره فیلم فجر بود. بخش بین‌الملل، جشنواره با تمرکز بر تولیدات داخلی برگزار شد؛ تصمیمی که با تدبیر علیرضا رضاداد، دبیر چند دوره اول جشنواره در دولت اعتدال صورت گرفت و جدول نمایش فیلم‌های جشنواره را خلوت کرد. بخش بین‌الملل جشنواره فیلم فجر عملاً برای کسی مهم نبود و جشنواره را هم دوباره کرده بود؛ به طوری که در نیمه‌های برگزاری جشنواره اختتامیه بخش بین‌الملل بر گزار و موتور جشنواره بعد از این مراسم بود که داغ می‌شد. جشنواره فیلم فجر همیشه به‌عنوان مهم‌ترین رخداد سالانه سینمای ایران در صدر اخبار قرار می‌گرفت و بین‌المللی بودنش بیشتر به حاشیه‌ای رانند و اصل شباهت داشت، طوری که حذف این صفت از جشنواره‌ای که در بهمن‌ماه برپا می‌شد، بیشتر با استقبال مواجه شد تا انتقاد.

جشنواره در عصر اینترنت

یکی از ویژگی‌ها و جلوه‌های بیرونی جشنواره فجر صفحه‌های بوده که گر داگرد سینماها تشکیل می‌شد. در دهه ۱۳۹۰ صف جشنواره همچنان پابر جا ماند، ولی داستان جاکرقتن در صف از صبح زود برای خریدن بلیت فیلمی که در خربش به‌نمایش درمی‌آمد، منحصراً به جشنواره‌روهای دهه‌های گذشته نشد. رواج پیش‌خرید اینترنتی بلیت، مخاطبان را از مقابل سینما به پشت رایانه‌هایشان کشاند. در دهه ۱۳۹۰ بیشتر مخاطبان جدی جشنواره به خرید اینترنتی بلیت رو آورده بودند و حالا به‌جای اینکه صف مقابل سینما زادی و فرهنگ تاجایی که چشم‌گرم می‌کند امتداد بیابد، در همان ذوق اول آغاز پیش‌فروش اینترنتی، بلیت‌ها تمام می‌شد. متولیان جشنواره در ادوار مختلف همیشه درصدی از ظرفیت بلیت‌ها را برای سینماها حفظ می‌کردند تا سنت صف جشنواره کاملاً حذف نشود و به‌عنوان نشانه‌ای آشکار از رونق و اقبال عمومی به فیلم فجر حفظ شود. در جشنواره‌های برگزار شده در این دهه هر چه جلوتر فتمیم با افزایش استفاده عمومی از اینترنت از طول فیلم‌ها کم‌استه‌شد. نکته دیگر اما غیبت نام‌های بزرگ و کنجکاو بر انگیز بود که در دوره‌هایی آسمان جشنواره را کس‌بسته می‌کرد. در این دهه جشنواره‌هایی برگزار شد که تعداد کارگردان‌های شاخص در آن کم بود و صف جشنواره معمولاً برای آثار نام‌های بزرگ تشکیل می‌شد؛ هر چند این قاعده هم با حضور شورانگیز سینماگران جوان شکسته شد؛ اتفاقی که بیشتر در جشنواره‌های جوان شکسته شد؛ در دوره سی‌وهشتم طولانی‌ترین صفا برای «شقایق پروانه» تشکیل شد که فیلم اول محمد کارت بود. جالب اینکه نخستین جرقه کنجکاو عمومی برای نمایش‌های «شقایق پروانه» هم در فضای مجازی زده شد و بخش کلیپ کوتاهی از فیلم با بازی امیر آقایی در شبکه‌های اجتماعی، نام فیلم را سر زبان‌ها انداخت. در دهه ۱۳۹۰ هر سالی که می‌گذشت و هر دوره‌ای که برگزار می‌شد، فضای مجازی بیشتر بر جشنواره تأثیر می‌گذاشت و انتقال صفا‌های خرید بلیت از پشت گیشه سینماها به راه‌های پیش‌فروش اینترنتی یکی از مهم‌ترین نشانه‌های تغییر در مناسبات و مرادفات جشنواره‌های دوستداران سینما بود.

تحولات فجر با تغییر دولت

دوره‌های سی‌ام و سی‌ویکم جشنواره در دولت احمدی نژاد برگزار شد و از دوره سی‌ودوم تا سی‌ونهم دولت روحانی متولی برپایی فیلم فجر بود. جشنواره‌ای که متولی‌اش وزارت ارشاد است با تغییر دولت‌ها، در روش و رویکرد تن به تحولاتی داد. در آسسال پایانی دولت احمدی نژاد، در تگیری‌های سازمان سینمایی با اصناف سینمایی به‌اوج خود رسیده بود که نتیجه‌اش تعطیلی خانه سینما به‌منزاع‌های که تأثیرش را بر جشنواره فیلم فجر هم گذاشته بود و فیلم فجر در آسسال پایانی دولت احمدی نژاد، زیر سایه همین اختلاف برگزار شد. از دل همین اختلاف‌ها بود که در پایان دوره سی‌ام، کلیدواژه «خیانت» به تعدادی از ملودرام‌های حاضر در جشنواره الصاق شد و بعد از آن داستان تحریم فیلم‌های سینمای ایران توسط نهاد مهم و تأثیرگذار حوزه هنری که بیشترین سالن سینما را در کشور در اختیار دارد، پیش آمد. حوزه هنری در اوج اختلافات وزارت ارشاد احمدی نژاد با جامعه اصناف سینمایی کشور پایگاهی برای مدیران و نزدیکان خانه سینما شد و فیلم‌های چون «پوسیدن روی ماه» همایون آسعدیان و «همان‌داریم» محمدمهدی عسکرپور با سرمایه حوزه ساخته شد و به جشنواره فجر هم آمدند. جواد شقردری که جشنواره دشوار سال ۱۳۸۸ را با رفغ توقیف «به رنگ ارغوان» جذباتی بخشیده بود و جشنواره سال ۱۳۸۹ را هم با حضور چندین فیلم شاخص، از «جرم» تا «جدایی...» و «یه حبه قند» رونق داده بود، در آژوره بعدی دست چندان بری برای فیلم فجر نداشت. جشنواره‌های سی‌ام و سی‌ویکم چه در فیلم‌های به نمایش درآمده و چه در اهدای سیمیرغ‌ها نتوانستند رصامت‌بخش باشند. آنچه از جشنواره‌های ابتدای دهه ۱۳۹۰ ماند، تلاش برای برپایی فستیوال‌هایی باشکوه بود. مراسم فرش قرمز به سبایی نزدیک به جشنواره‌های خارجی به فیلم فجر اضافه شد. اتفاق که محصول ابتکار محمدرضا عباسیان، دبیر جشنواره سی‌ویکم بود و بعدها و با مخالفت‌هایی که صورت گرفت در دولت بعدی تعدیل و تخفیف یافت. در حالی که به‌نظر می‌رسد با تغییر دولت، فیلم فجر با گشایش بیشتری برگزار شود در نخستین جشنواره دولت اعتدال، آنچه بیش از هر چیز به چشم آمد، محافظه‌کاری مدیران بود که حتی کار را به عوض کردن دقیقه نودی بازیگر برگزیده جشنواره هم رساند.

اگر در جشنواره سی‌ام محصول پر هزینه فارابی سیمیرغ بهترین فیلم را می‌گرفت، در نخستین جشنواره دولت اعتدال، فیلم فاخر احمد رضا درویش برگزیده می‌شد. تغییر مدیران سینمایی از حجت‌الله ایوبی به محمدمهدی حیدریان و در نهایت حسین انتظامی هم هر یک به شکلی تأثیر خود را بر فیلم فجر گذاشتند. بهترین جشنواره‌های دهه ۱۳۹۰، دوره‌های سی‌وچهارم و سی‌وپنجم بودند که در آنها حضور جوانان به رسمیت شناخته شد؛ سال‌هایی که فیلم فجر مقدم نسل تازه سینماگران را از طیف‌ها و گرایش‌های مختلف و متفاوت گرامی داشت؛ از سعید روستایی تا محمد حسین مهدویان که خیلی زود به نام‌های آشنایی برای مخاطبان فیلم فجر تبدیل شدند. از دل هنرو تجربه هم به‌عنوان مهم‌ترین دست‌آورد دولت اول اعتدال، هم فیلمساز تازه‌نفس بیرون آمد و بخش و جایزه مستقلی که باز با تغییرات مدیریتی هنرو تجربه هم دست پشتیبیان و حمان‌تگورش را از دست داد. اگر دولت احمدی نژاد آخرین دوره‌های جشنواره تحت مدیریتش را پرزرق‌وبرق برگزار کرد، آخرین جشنواره دولت روحانی تبدیل به کم‌رونق‌ترین دوره تاریخ فیلم فجر شد؛ جشنواره‌ای که زیر سایه سنگین کر و نا بر گزار شد و تنها میزبان ۱۶ فیلم در بخش مسابقه بود و شاید اگر اصرار مدیران وقت ارشاد نبود، در همین سطح حداقلی هم امکان اجرا نمی‌یافت.

صن کامل را در هسپری ۲۴ بخوانید

